استقلال		خپلواکی

داکتر زمان ستانیزی		۱۷ دسمبر، ۲۰۲۵

ریشه یابی زبانهای معاصر دری و پشتو
در کتیبهٔ سرخ کوتل بغلان

داکتر زمان استانیزی - استاد زبانشناسی پوهنتون کابل
و استاد الهیات، عرفان و اسطوره شناسی در پوهنتون مطالعات عالی پسِفیکا در کلیفورنیا

به تاریخ ۷ ماه می سال ۱۹۵۷ ت.م. (تقویم مشترک) کتیبهٔ با رسم الخط یونانی از یک معبد زیرخاک شدهٔ دورهٔ زرتشتی ها نزدیک سرخ کوتل بغلان به دست آمد، که توجهٔ زبانشناسان و باستانشناسان را به خود جلب کرد. این کتیبه به گمان اغلب در عصر کنیشکا نقر شده که دورهٔ حکمروایی او را محققین نارویژی ستین کونو (Sten Konow) [i] وکریستن سن (K. Kristiansen)بین سالهای ۱۲۵ الی ۱۵۲ت.م تخمین کرده اند. [ii]

آنچه توجه محققین را به خود جلب کرده، اینست، که متن کتیبهٔ دوهزار سالهٔ سرخ کوتل با کدامیک از زبان‌های مروج امروزی افغانستان پیوند و نزدیکی دارد.

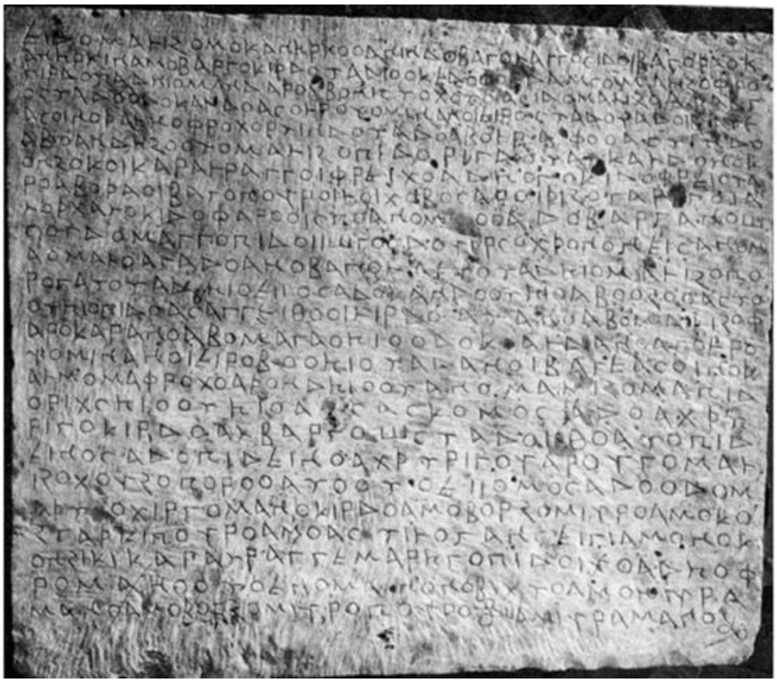

زبان کتیبهٔ سرخ کوتل:

نظر علامه پوهاند عبدالحی حبیبی بر این است، که این کتیبه «زبان دو هزار سالهٔ افغانستان یا مادر زبان دری» معاصر است. او همچنان کتیبهٔ سرخ کوتل را که از آثار

salamwatanam@gmail.com

کمیاب و نادر در تاریخ زبانهای اریایی در افغانستان است، «مهمترین سند زبان عهد کوشانیان» خوانده، متعقد است که متن کتیبه شکل اصلی «زبان دری دوهزار سال قبل» است.

دانشمندان دیگر هم در نوشته های خود از نزدیک بودن متن کتیبه با زبان دری یادآوری کرده اند. آنچه این تحقیق را متفاوت میسازد تازه نگری و بازنگری بر زبان کتیبهٔ سرخ کوتل است تا قرابت و شباهت صوتی و ساختاری متن کتیبه سرخ کوتل را با زبان معاصر پشتو بررسی کند. از زبانشناسان و باستانشناسان توقع میرود تا با داشته ها و نظریات تازه در بازنگری به متن این کتیبهٔ تاریخی به روشن نمودن موضوع و غنامندی و شناخت بهتر فرهنگ و تاریخ باستان افغانستان بیافزایند.

برای این کار باید دو مسأله شناسایی شوند. نخست اینکه در آنزمان کدام زبانها در منطقه مروج بودند، و ثانیاً اینکه آیا زبانهای عمدهٔ متداول عصر ما. از زبان این کتیبه ریشه گرفته اند؟ و در واقع وارثین زبان این کتیبه اند؟

اول: زبانهای مروج آن عصر:

هدف این تحقیق ریشه یابی زبانهای معاصر دری و پشتو در زبانیست، که کتیبه به آن نقر شده است. بدین هدف نخست باید زبان کتیبه ریشه یابی گردد. بدین هدف باید به تاریخ آن دوره برگشت و زبانها مروج در بغلان و حوالی آنرا بررسی نمود تا دریافت که آیا زبان کتیبه، زبان مروج مردم آن منطقه بوده است و آیا زبان کتیبه از زبانهای مروج آن دوره متأثر گردیده است؟

- بین سالهای ۲۵۶ تا ۱۰۰ق.ت.م (قبل از تقویم مشترک) در عصر سلطنت «یونان باختری» در منطقه زبان رسمی یونانی+ باختری بود، علاوه بر آن به زبانهای سغدی و ارامی نیز تکلم میشد .
- بین سالهای ۲۴۷ ق.ت.م تا ۲۲۴ ت.م در عصر امپراتوری پارتها زبان رسمی پارتی اشکانی بود، و به زبانهای مختلط یونانی (باختری) و زبان عامیانه lingua franca ارامی نیز تکلم میشد.
- بین سالهای ۳۰ ق.ت.م تا ۳۷۵ ت.م در دورهٔ کوشانی ها زبان رسمی یونانی و بعداً باختری بود و به زبانهای مروج دورتر پراکریت و سانسکریت بودند.

دولت یونان باختری ۲۵۶ تا ۱۰۰ ق.ت.م | دولت پارتها ۲۴۷ ق.ت.م تا ۲۲۴ت.م | دولت کوشانی ۳۰ ق.ت.م تا ۳۷۵ ت.م

از روی شواهد تاریخی میتوان استنباط کرد،که زبانهای که بیشترین احتمال تأثیر گذاری بر زبان کتیبۀ سرخ کوتل داشته اند زبانهای باختری، سغدی و پارتی بوده میتوانند .

دوم - ریشۀ زبانهای معاصر در زبان کتیبۀ سرخ کوتل :

زبانهای مروج در منطقۀ بغلان در آنزمان هریک باختری، سغدی و پارتی با هم یک تفاوت های کلیدی دارند، اینکه زبان باختری و سغدی از شاخۀ زبانهای اریایی شرقی اند، ولی زبان پارتی از شاخۀ زبانهای اریایی غربی است. زبانهای باختری و سغدی به سبب ارتباط ریشه ای نزدیکتر شان با زبانهای دیگر اریایی شرقی در منطقه سابقۀ طولانی تر دارند. بعد از هجوم یونانی ها در سال ۲۵۶ ق.ت.م (قبل از تقویم مشترک) و ایجاد تمدن یونان باختری در آی خانم در حوالی بغلان زبان یونانی نیز در منطقه رایج شد و اصطلاحات آن بر زبانهای مروج مردم تأثیر گذاشت. زبان پارتی از شاخۀ غربی زبانهای اریایی است، که با هجوم اشکانی ها در حدود سال ۲۳۰ ق.ت.م به این منطقه آورده شد، که این خود شرقی ترین گسترش زبانهای اریایی غربی به قلمرو دیرینۀ زبانهای اریایی شرقی بشمار میرود. در عهد کوشانی ها که بعد از سال ۳۰ ق.ت.م بر منطقه مسلط گشتند، احتمالاً همین سه زبان عمده مروج بودند. درکتیبۀ سرخ کوتل نشانه های از این زبانها به نظر میرسند، که مستوجب بررسی بیشتر اند.

در دوران لشکرکشی عربها، زبان پارتی معرب شده (با نام غلط مصطلح فارسی) از عربستان خراسان با لشکریان و ناقلین عرب به این منطقۀ تخار و بغلان آورده شد و با زبانهای منطقه منجمله زبان سغدی، باختری و زبان پارتی اشکانی بهم آمیخت. استفاده از همین نام غلط مصطلح

فارسی به مرور زمان تعمیم یافت و مشهور شد. این زبان به سرعت زبان دربار و بازار گردید و تا اکنون هم به همان نام غلط مصطلح «فارسی» شناخته میشود.

در رابطه با متن کتیبهٔ سرخ کوتل دو مسألهٔ مهم مطرح را باید مطرح کرد:

اول - زبان دری/«فارسی» دورهٔ اسلامی به سبب تفاوت زمانی نمیتواند، در کتیبهٔ چند قرن پیش نقر شدهٔ سرخ کوتل اثری داشته باشد، مگر اینکه مشترکات آن با زبان پارتی را دری/«فارسی» بخوانیم.

دوم - تسلط زبان دری/«فارسی» در جامعه و حیطهٔ دین و دولت در کل، سبب شد، که زبانهای دیگر شاخهٔ زبانهای اریایی شرقی را شدیداً متأثر سازد تا بلاخره باعث ازبین رفتن کامل زبانها عمدهٔ منطقه چون باختری و سغدی گردید.

وقتی میخواهیم بین متن کتیبهٔ سرخ کوتل و دری/«فارسی» معاصر پل ببندیم با دو مشکل عمده روبرو میشویم:

۱- زبان دری/«فارسی» در زمان نقر کتیبه ایجاد نشده بود.

۲- دو زبانی که بیشتر نظر به زبانهای دیگر به متن کتیبهٔ سرخ کوتل نزدیک بوده میتوانند، زبانها سغدی و باختری اند. احتمال تأثیر زبان سغدی بر متن کتیبه کمتر است، زیرا قلمرو جغرافیایی آن عمدتاً در شمال دریای آمو بوده، ولی قلمرو زبان باختری در جنوب دریای آمو شامل محلاتی چون آی خانم، تخار، بغلان و سرخ کوتل بوده اند، جائیکه این کتیبه در آن کشف شده است.

موضع این تحقیق با آن عدهٔ از زبانشناسان تحلیلی هم جهت است، که زبان کتیبهٔ سرخ کوتل را زبان باختری میدانند. چون زبان باختری از بین رفته، به منظور تجزیه و تحلیل برای اثبات این فرضیه، باید به زبان زندهٔ مراجعه کرد، که با زبان باختری قرابت داشته باشد. زبان پشتو با زبان باختری مشترکات ریشه ای، ارتباط شاخهٔ زبانهای اریایی شرقی و قرابت جغرافیایی نزدیکتر دارد. قرابتی که هم از نگاه ارتباط نزدیک ریشه ای، هم از نظر تعامل خط السیر اقوام اریایی که عمدتاً از شمال به جنوب و هم از نگاه موقعیت سکونت پشتونها در زمان قدرت کوشانی ها در منطقه میتواند، نزدیکترین زبان معاصر به زبان باختری یا زبان کتیبهٔ سرخ کوتل باشد.

قدامت سکونت افغانها در منطقهٔ تخارستان در اسناد زبان باختری از قرن چهارم تقویم مشترک، عصرکوشانی ها و یفتلی ها، که تازه کشف و ترجمه شده ثابت میشود. در نامه ای«از مردمان یفتلی که رئیس **افغانهای تخار** بود، **نام افغان** با رسم الخط یونانی افگانو αβγανανο وعبارت «رئیس **افغانها**، قاضی تخارستان و غرچستان...» ذکر شده.[iii] همچنان «در سال ۵۶۱م...

یفتلیانی که در حوالی بخارا مستقر بودند به باختر آمدند و در آنجا فرمانروایی را بنام **افغانش** به پادشاهی برگزیدند و برای مدتهای مدیدی خودمختاری خود را در باختر و تخار حفظ نمودند.»[iv]

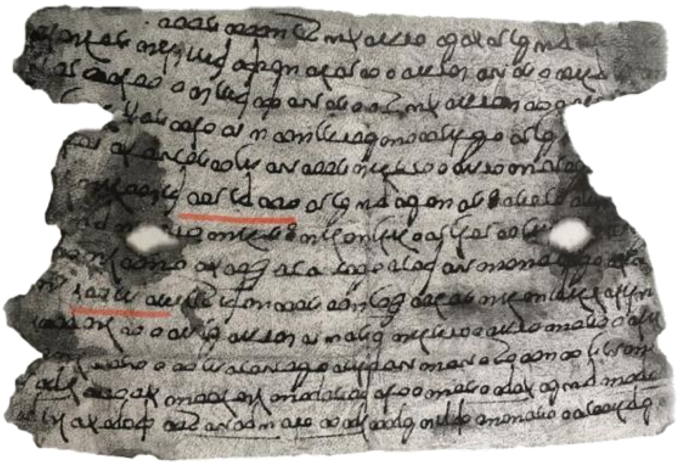

تصویر سند اصلی به زبان باختری عصرکوشانی با الفبای یونانی

سوم - تحلیل و بررسی زبانشناسی :

با مرور بر این مقدمهٔ تاریخی، با استفاده از اصول زبانشناسی، به تحلیل و بررسی زبانهای منطقه میپردازیم، تا از روی شباهت کلمات و ترکیبات دستوری کتیبهٔ سرخ کوتل، رابطهٔ نزدیک بین متن کتیبه و زبانهای مروج معاصر افغانستان یعنی دری و پشتو را شناسایی کنیم. در این کوشش علاوه بر شناسایی شاخه های زبانهای اریایی و موقعیت اسکان گوینده گان این زبانها که در بالا ذکر شد، به شباهت های آوایی و ساختاری این زبانها میپردازیم.

الف - شباهت های آوایی و صوتی:

نشانه هایی که در ارتباط ریشه ای بین دو زبان بیشتر و به سهولت قابل مشاهد است، شباهت های آوایی و فونیتیک در ترکیب کلمات مترادف و هم معنی بین دو زبان است. در کتیبهٔ سرخ کوتل کلماتی ذکر شده اند،

اصطلاحات کتیبهٔ سرخ کوتل	دری معاصر	پشتو معاصر
آخشت	خشت	خښته
ریگ	ریز (ریزه، کوچک)	وړ
پوهر	پور/پسـر	بوره (مادرِ پسرمرده)
اس	از	له
کِرد (ساخت، اعمار کرد)	کرد	کی/کړی
کند	کند (کندن)	وکیند (کیندل)
استیند	ایستا د	ستون شو
نیست	نیست	نسته
آسنگی آته	ته(داب) سنگ	د تهداب ډبره

که با زبان دری معاصر قرابت دارند، ولی صامت های این کلمات یا با زبان پشتو مشترک اند

یا مشابهٔ آن، مانند (آب = آب/ابو، شا = شاه/ پادشاه، استیند = ایستاده شدند/ستانه شول،...) که به گمنان اغلب کلمات عاریتی از زبان پارتی اند، زبانی که درعصر ساختن کتیبهٔ سرخ کوتل در منطقه مروج بود. این کلمات در زبان دری معاصر گاه صرف شکل و گاهی هم شکل و معنی خود را حفظ کرده اند، طوریکه در جدول ذیل دیده میشود:

اصطلاحات کتیبهٔ سرخ کوتل	پشتو معاصر	دری معاصر
مال	مال	هنگام
ایر	ایر (اور در لهجهٔ وزیرستان) ایری (خاکستر)	آتش
خودی	خودای	خدا/پادشاه
اوکید	وکی/وکړی	کرد
اسید	اسی/هسی (چې)	چنین
اوت/د	او	و
ساد	څا (سا) در لهجهٔ پیشاور	چا
لویک/لویخ	لوی	بزرگ/ کلان
انوموا‌د	نوموړئ	نامدار
ایوگ	یو (لمړی)	یک (یکم/اول)

طوریکه در جدول بالای دیده میشود، صامتهای زبان دری که از شاخهٔ زبانهای اریایی غربی است، به صامتهای زبان کتیبهٔ سرخ کوتل شباهت آوایی بیشتر دارند تا به زبان پشتو که از شاخهٔ زبانهای اریایی شرقی است، ولی اگر به دستهٔ دیگر از صامتهای کتیبه نظر اندازیم، خواهیم دید، که صامتهای متن کتیبهٔ سرخ کوتل به زبان معاصر پشتو قرابت بیشتر و نزدیکتر دارد، تا به زبان دری. به جدول ذیل توجه کنید

زبان کتیبهٔ سرخ کوتل با در نظر داشت معیارات شباهت های صوتی به همان اندازه که در کلمات جدول اول به زبان دری معاصر شباهت داشت، در کلمات جدول دوم به زبان پشتوی معاصر نزدیک است.

ب - شباهت های ساختاری:

صرف شباهت آوایی بین زبانهای نزدیک و همریشه با مشترکات صوتی بیشمار مانند زبانهای باختری، سغدی و پارتی کافی نیست، که ارتباط و قرابت بین زبان کتیبه سرخ کوتل و زبانهای محلی آن وقت از آنجمله باختری، سغدی و پارتی اشکانی از آن تخمین زده شود. ناگزیر باید به محک و معیارات دقیقتر و مؤثقتر مراجعه شود. معتبرترین معیار تعین ارتباط ریشه ای یک زبان با زبان دیگر، همگونی ساختار و ترکیب دستوری جملات و عبارات بین دو زبان است. در ارتباط با کتیبهٔ سرخ کوتل، تفاوتهای ساختاری زبانهای اریایی شرقی و غربی را میتوان در محدودهٔ سه معیار ذیل تشخیص و بررسی کرد:

۱ - پسوندهای حالت اسم

۲ - ترتیب احاد و عشاری اعداد

۳ -ترتیبِ تقدیم و تأخیر اسم و صفت

۱- پسوندهای حالت اسم:

معمولاً در زبانهای اریایی شرقی، اسم پسوندهای حالت اسم را دارا است، ولی در زبانهای اریایی غربی این خصوصیت کمتر دیده میشود. در کتیبهٔ سرخ کوتل نشانه های حالت اسم به وضاحت دیده میشود، مثلاً نام فرمانروای مورد بحث در حالتهای متفاوت به شکل «کنیشکا»، «کنیشکو» و «کنیشکی» نوشته شده است. این نوع حالات اسم در شاخهٔ زبانهای اریایی شرقی مانند پشتوی معاصر تا هنوز معمول است، ولی در زبان دری /«فارسی» موجود نیست.

۲ - ترتیب اعداد احاد و عشرات:

اعداد دو رقمی (۱۱-۹۹) را در شاخهٔ زبانهای اریایی شرقی به ترتیب «اول احاد و بعداً عشاری» می آیند، ولی در شاخهٔ زبانها اریایی غربی برعکس آنست. ترتیب اعداد در کتیبهٔ سرخ کوتل ، به شکل شاخهٔ زبانهای اریایی شرقی آمده است، نه شاخهٔ زبانهای اریایی غربی، یعنی احاد اول آمده و بعداً عشاری مثلاً: اِیوک اُو دُو هِیرس -که صامتهای نشانی شدهٔ آن به ترتیب عدد ۳۱ یا «یو دیرس» را در زبان پشتو نشان میدهد، در حالیکه برای انطباق آن با زبان دری باید ترتیب آنر از «یک و سی» به «سی و یک» معکوس ساخت تا مفهوم شود. به شباهت بین متن عبارت کتیبه و ترجمهٔ آن به زبانهای پشتو و دری توجه شود:

پدئی اِیوک اُو دُو هِیرس خشون نیسان ما مال

پدی یو دیرس د سلطنت د نیسان میاشتی په مال

۳ - ترتیب تقدیم و تأخیر اسم و صفت:

سی و یکم سال سلطنت، هنگام نیسان ماه

در زبانهای اریایی شرقی مانند پشتو، اوسیتی وغیره معمولاً صفت پیش از اسم می آید، ولی در زبانهای شاخهٔ اریایی غربی چون دری/«فارسی» کُردی وغیره اسم پیش از صفت می آید. در کتیبهٔ سرخ کوتل همه جا صفت پیش از اسم آمده مثلاً : بَگ شا = بزرگ شاه (شاه بزرگ)، اَسنگی اِتهـ - = سنگی تهداب (تهداب سنگی)، اَسَسکوم ساد = خام چاه (چاه خام). پس ترتیب «صفت و اسم» هم در کتیبه با ترتیب زبان پشتو مطابقت دارد، نه با زبان دری.

نتیجه گیری:

اگر زبان کتیبهٔ سرخ کوتل مربوط زبانهای شاخهٔ اریایی شرقی باشد، نه غربی و زبان عمدهٔ آن یعنی زبان باختری و سغدی هر دو کاملاً از بین رفته باشند، باید علایم قرابت زبان کتیبه را با

زبانهای دیگر ارپایی شرقی از آنجمله پشتو جستجو نمود. این شناسایی از روی ترکیب و ساختار دستوری (گرامری) که در سه مورد بالای ذکر شد، درست از آب در می آید، چون نظم حالت اسم، ترتیب اعداد احاد و عشاری و ترتیب صفت و اسم در زبان کتیبه سرخ کوتل کاملاً با ساختار دستوری زبان پشتوی معاصر مطابقت دارد، نه با زبان دری/«فارسی».

پس شباهتهای آوایی زبان کتیبهٔ سرخ کوتل به همان اندازه که میتواند، شکل کهن زبان دری باشد، میتواند شکل کهن زبان پشتو هم باشد، که این همگونی در دو جدول بالا نشان داده شد. در عین حال سه معیار بعدی که در تعین ریشه زبانها نهایت مهم اند، شباهت زبان کتیبهٔ سرخ کوتل را از نظر ساختار، ارتباط ریشه ای و قلمرو جغرافیایی به مراتب قویتر و همرنگ با زبان پشتو نشان میدهد که جز خانوادهٔ زبانهای ارپایی شرقی است، تا با زبان دری که بیشتر از زبانهای ارپایی غربی ریشه گرفته است.

علامه حبیبی کتیبهٔ سرخ کوتل را «مهم ترین سند قدیم... در بارهٔ زبان دری دوهزار سال قبل» دانسته[v] مینویسد، «...چون بغلان در تخارستان واقع بود، بهتر است، آنرا تخاری بخوانیم و من درین رساله آنرا زبان کوشانی گفته ام، که نام واقعی است، ولی چون البیرونی و البشاری مقدسی زبان ولایت بین بلخ و بدخشان را تخاری خوانده و آنرا بزبان بلخی نزدیک دانسته اند.[vi] بنا برآن اگر این زبان را تخاری بگوئیم، نیز جایز است.»[vii]

روش این تحقیق بر تحلیل زبانشناسی استوار است، نه بر استنباط تاریخی، به همین سبب ارزیابی های آن در موارد چند متفاوت از برداشتهای است، که اکثریت افغانها با آن آشنا هستند:

۱- تخاری خواندن زبان کتیبهٔ سرخ کوتل، مستلزم توضیح بیشتر است، اینجا به این شرح کوتاه اکتفا میشود، که تَخار یک نام جغرافیایی در افغانستان است، ولی تُخاری (مفتوح) نام یک شاخهٔ از زبانهای هند و اروپایی در اویغور (ترکستان چینی) است، که اکثر گوینده گان آن در شهرهای تورفان، کوچه، قره شهر و کاشغر و اطراف آن زنده گی میکنند.[viii] احتمال زیاد موجود است که شباهت نامهای تخار و تُخاری سبب استعمال علی البدل اشتباهی این کلمه شده باشد چنانکه البیرونی و البشاری مقدسی از روی شهر تخار به نام زبان منطقه آنرا تخاری نامیده باشند، و تاریخدانان متأخر به سبب املای مشابه عربی تخار و تُخاری همین هویت جغرافیایی را هویت زبانی پنداشته باشند. این فرضیه بدین سبب معتبر است که اصطلاح زبانهای منطقه تورفان و تکله مکن صرف در سال ۱۹۰۷ از طرف زبانشناسی به نام ف. میولر F. W. K. Müller به نام تُخاری نامگذاری شد،[ix] واقعیتی که در زمان البیرونی و مقدسی موجود نبود.

۲ -زبان کتیبهٔ سرخ کوتل را «زبان کوشانی» نامیدن از نگاه مقتضیات عصر و رعایت ملحوظات فرهنگ سیاسی وقت درست است، ولی از نگاه زبانشناسی زبانی به نام زبان کوشانی، شناسایی نشده است.

۳- کتیبهٔ سرخ کوتل بغلان از آثار معتبر تاریخی است، که از تمدن عصر کوشانی در منطقهٔ تخارستان حکایت میکند. زبانهای مروج در تخارستان درین عصر زبانهای باختری، سغدی و پارتی اشکانی بوده اند، که متن زبان این کتیبه کم و بیش از هر یکی ازین سه زبان متأثر بوده است. تأثیر زبان فارس/پارسی (پهلوی ساسانی) بر زبان این کتیبه رد میشود، زیرا این کتیبه یک قرن قبل از هجوم ساسانیان به این منطقه نقر شده است.

۴- محض موجودیت کلمات هم شکل زبان دری معاصر به دری بودن متن کتیبه دلالت نمیکند، مگر اینکه مشترک بودن آن کلمات را نادیده گرفته، آنها را منحصر به زبان دری بدانیم، که این روش علمی نیست. زبان کتیبهٔ سرخ کوتل با آنکه کلمات عاریتی از شاخهٔ زبانهای اریایی غربی یعنی زبان پارتی/اشکانی را دارد، ولی ساختار عبارات و جملات آن کاملاً همگون به زبانهای شاخهٔ اریایی شرقی مانند پشتو است.

۵- متن زبان کتیبهٔ سرخ کوتل توسط زبانشناسان چون هیننگ و ماریک[x] زبان باختری خوانده شده است. تحلیل ترکیب صوتی و ساختار دستوری کتیبه در این تحقیق نظر هیننگ و ماریک را تائید میکند، با فهم اینکه زبان این کتیبه بی تأثیر از زبانهای مروج دیگر این منطقه منجمله سغدی و پارتی اشکانی بوده نمیتواند.

۶- دو زبان مروج و معاصر افغانستان، زبان دری تا حدی و زبان پشتو تا حد بیشتر ریشه در زبان کتیبهٔ سرخ کوتل دارد. اینکه زبان این کتیبه با قطعیت باختری، سغدی، پارتی اشکانی یا آمیزی از زبانهای مروج آن عصر خوانده شود مستلزم تحقیقات بیشتر زبانشناسان، تاریخنگاران و باستانشناسان مسلکی، آگاه و متعهد دیگر است.

مأخذ:

---

[i] Sten Konow. Acta Orientalia, vol. VI, Havniae 1950, pp. 93.

[ii] K. Kristiansen (in translation مزداپرستی در ایران قدیم. ص. ۱۱۴)

[iii]فرانسوا دُ بوا و نیکولس سیمز ویلیمز-
François de Blois and Nicholas Sims-Williams (2007). Studies in the Chronology of the United Kingdom, Bactrian Documents. Published by Khalili Collections

[iv]حامد نوید .شرح باباجان غفوروف .ریشه یابی کلمهٔ افغان در پرتو اسناد تاریخی .منتشرهٔ مجلهٔ لمر
https://lmarmagazine.com/?p=1774

[v] «زبان دری دوهزار سال قبل: مهم ترین سند قدیم زبان عهد کوشانیان کشف شد. آیا پیدایش گاه زبان دری سرزمین افغانستان است؟» مقالهٔ منتشره در مجلهٔ آریانا شمارهٔ سوم، اول حمل ۱۳۴۲ سال بیست ویکم.

[vi] آثار الباقیه ۲۲۲ و احسن التقاسیم ۳۳۰

[vii] «زبان دو هزار سالهٔ افغانستان یا مادر زبان دری (تحلیل کتیبهٔ سرخ کوتل بغلان)» از نشرات انجمن تاریخ افغانستان (د تاریخ ټولنه) چاپ دولتی مطبعه - کابل ۱۳۴۲ ش، ص ۴.

[viii] Todd B. Krause and Jonathan Slocum. Tocharian Online. Linguistic Research Center, The University of Texas at Austin. https://lrc.la.utexas.edu/eieol/tokol

[ix] Todd B. Krause and Jonathan Slocum. Tocharian Online. Linguistic Research Center, The University of Texas at Austin. https://lrc.la.utexas.edu/eieol/tokol

[x] Henning, W. B. The Bactrian Inscription on JSTOR. Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London, 47. https://doi.org/609886. https://www.jstor.org/stable/609886